



به نام خدا

گزارش از تحولات اخیر حوزه رفاه و تأمین اجتماعه
در پاکستان، مصر، گرجستان و گزارش های جدید ILO و OECD

جلیقه زردهای فرانسه: جنبشی برای تأمین اجتماعه؟

تحلیل رخدادهای
November 2018



موسسه عالی پژوهش تعاون اجتماعی



افتکارسنجی و نظرسنجی



گزارش تحلیلی شماره (۴)

گزارشی از تحولات اخیر حوزه رفاه و تأمین اجتماعی در پاکستان، مصر، گرجستان و

گزارش‌های جدید ILO و OECD

جلیقه زردهای فرانسه: جنبشی برای تأمین اجتماعی؟

تحلیل رخدادهای November 2018

سرپرست تیم مجری طرح: سینا چگینی

ناظر علمی: مهدی سلیمانیه

تاریخ انتشار گزارش: ۹۷/۱۲/۲۰

فهرست

برخی از مهم‌ترین رخدادهای حوزه رفاه و تأمین اجتماعی در نوامبر ۲۰۱۸

- الف. گزارش جدید ILO: صندوق‌های مستمري را خصوصي نکنيد، شکست می خورد ۵
- ب: آینده حمایت اجتماعی در تحقیق جديد OECD: لزوم حمایت اجتماعی از کارگران نوظهور ۶
- ت. گرجستان: افزایش چهار برابري حمایت اجتماعی از کودکان در ۹
- ث. گزارش جهانی حداقل دستمزد ILO: بیشترین سقوط دستمزد کارگران در ۱۰ سال گذشته ۱۰
- ج. پاکستان: حمایت اجتماعی یا تعديل ساختاری؟ ۱۲
- چ. مصر: عسرت مردم و تداوم سیاست ریاضتی دولت سبسی ۱۴

پرونده ویژه: جلیقه زردهای فرانسه، جنبشی برای تأمین اجتماعی همگانی ۱۷

- جرقه جنبش ۱۸
- وسعت جنبش ۱۹
- دلایل خشم و اعتراض ۲۰
- پس زمینه اقتصادی ۲۱

فهرست

۲۳	مطالبات جلیقه زردها
۲۴	اصلاح نئولیبرالی نظام مسترها
۲۷	پاسخ دولت به معترضان
۲۸	چشم‌انداز پیش‌رو و راه‌حل‌ها
۳۱	ضمیمه: برنامه دولت فرانسه برای تضعیف مستمری‌ها

بخش اول: تصویری کلی از تحولات مهم حوزه رفاه و سیاستگذاری و تأمین اجتماعی در سطح منطقه و بین‌الملل در نوامبر ۲۰۱۸:

گزارش جدید ILO: «صندوق‌های مستمری را خصوصی نکنید، شکست می‌خورد»

مهم‌ترین تحولات ماه نوامبر را با انتشار گزارش تحقیقاتی مفصل سازمان بین‌المللی کار (ILO) درباره نتایج سیاست خصوصی‌سازی صندوق‌های مستمری و بازنشستگی در کشورهای جهان در اوایل این ماه، می‌توان شروع کرد.



طبق نتایج این گزارش، از سال ۱۹۸۱ تا سال ۲۰۱۴ بیش از سی کشور در سرتاسر جهان به طور کلی یا جزئی اقدام به خصوصی‌سازی صندوق‌های مستمری عمومی خود در حوزه تأمین اجتماعی و بازنشستگی کرده‌اند. اما به دلیل نتایج وحشتناک سیاست خصوصی‌سازی روی صندوق‌های بازنشستگی، برهم خوردن تعادل ورودی‌ها و خروجی‌های مستمری‌ها و شکست این سیاست‌ها، در سال ۲۰۱۸ حدود هجده کشور از این مجموعه ۳۰ کشور، اقدام به بازنگری در سیاست خصوصی‌سازی این صندوق‌ها کرده‌اند تا آنها را دوباره به دولت و بخش عمومی بازگردانند. این گزارش توصیه می‌کند که برای جلوگیری از ایجاد بحران در صندوق‌های بازنشستگی نه تنها از خصوصی‌سازی این صندوق‌ها باید جلوگیری کرد بلکه اگر جایی هم در صندوقی، خصوصی‌سازی صورت گرفته است، به دولت‌ها شدیداً توصیه می‌کند که هرچه سریع‌تر آنها را به بخش دولتی و عمومی بازگردانند تا مانع ایجاد بحران اجتماعی و سیاسی در آینده شوند. این گزارش به طور مفصل و با جزئیات بسیار زیاد تجربه کشورهای مختلف را در خصوصی‌سازی بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که حتی یک تجربه یا نمونه موفق در زمینه خصوصی‌سازی صندوق‌های مستمری در کل جهان وجود ندارد.

بنابراین سیاست خصوصی‌سازی صندوق‌ها در سراسر جهان باید متوقف شود. مهمترین نتایج این گزارش که از سوی محققان و کارشناسان سازمان بین‌المللی

کار (ILO) منتشر شده، به شکل خلاصه از این قرار است:

۱) شکست صندوق‌های مستمری خصوصی در سراسر جهان برای بهبود تامین درآمد سالمندان، هم با معیار سطح پوشش، هم با معیار مزایا، هم با معیار هزینه‌های اجرایی، هم با معیار هزینه‌های گذار و تغییر و تحول، هم با معیار تأثیرات مالی و هم با سایر معیارها. در واقع و در یک کلام، کل سیاست خصوصی‌سازی صندوق‌های مستمری و بازنشستگی فاجعه‌بار است و این گزارش رسمی سازمان بین‌المللی کار، کشورها را شدیداً از اتخاذ این سیاست بر حذر می‌دارد.

۲) اسناد و شواهد نشان می‌دهد که خصوصی‌سازی به لحاظ قوانین، مدیریت، مالکیت‌های جدید، تامین مالی و نرخ‌های مشارکت شکست خورده‌اند.

۳) این گزارش یک کتاب راهنماست برای برداشتن گام‌های کلیدی در جهت بازگرداندن صندوق‌های خصوصی‌شده به نظام دولتی. طبق سرخط‌های این گزارش، با تأکید توصیه می‌شود که همه کشورها، صندوق‌های خصوصی را به بخش دولتی بازگردانند.

آینده حمایت اجتماعی در تحقیق جدید DCEO: لزوم حمایت اجتماعی از کارگران نوظهور

در اوایل ماه نوامبر سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) نتایج تحقیق بسیار مفصلی را درباره وضعیت نظام‌های حمایت اجتماعی در سراسر جهان منتشر کرد. در این گزارش که به تفصیل به وضعیت حمایت اجتماعی در اکثر کشورهای جهان، به خصوص کشورهای عضو این سازمان پرداخته، تحلیلی از وضعیت و روندهای موجود حمایت اجتماعی در جوامع مختلف صورت گرفته که حایز اهمیت است.^۲

1. https://www.ilo.org/wcmsp5/groups/public/---ed_protect/---soc_sec/documents/publication/wcms_648639.pdf

2. <http://www.oecd.org/els/soc/the-future-of-social-protection-9789264306943-en.htm>



این گزارش تاکید می کند که بیشتر نظام‌های حمایت اجتماعی برای کارگران تمام‌وقت طراحی شده‌اند، حال آنکه در دوران جدید کارگران پاره‌وقت یا کارگران گیگی (مرتبط به مشاغل آنلاین) یا کارگران خویش‌فرمای بسیاری ظهور کرده‌اند که کمتر تحت نظام حمایت اجتماعی قرار دارند، به طوری که این موضوع مسئله خلا پوشش حمایت اجتماعی در حق این کارگران را به وجود آورده است. طبق گزارش OECD، حدود ۱۶ درصد از همه کارگران جهان، کارگران خویش‌فرما هستند و بیش از ۱۳ درصد از همه کارگران وابسته، همان کارگران پاره‌وقت هستند که از حداقل بیمه‌های اجتماعی مبتنی بر دستمزد محروم مانده‌اند. وضعیت درباره کارگران خویش‌فرما حتی از این گروه نیز بدتر است.

این گزارش همچنین نسبت به افزایش کارگران غیررسمی هشدار می‌دهد و خواهان افزایش حمایت اجتماعی دولت‌ها در حق این کارگران از طریق نظام‌های بیمه‌ای است چراکه بسیاری از این کارگران استطاعت پرداخت حق بیمه حداقلی را نیز ندارند و دولت‌ها باید مسئولیت آنها را برعهده گیرند. این گزارش می‌افزاید که تکنولوژی‌های جدید و شکل‌های نوین کار، حمایت اجتماعی ناکاملی را برای کارگران ایجاد کرده‌اند. بدین ترتیب کارگران غیررسمی باید در خط مقدم برقراری سیاست‌های حمایت اجتماعی از سوی دولت‌ها باشند. مجلد کامل این گزارش، هفت مطالعه موردی درباره ابعاد مختلف حمایت اجتماعی برای کارگران غیراستاندارد (اعم از کارگران خویش‌فرما، کارگران وابسته، کارگران بینابینی، کارگران موقت، کارگران منعطف و کارگران تلفنی) انجام داده است که نتایج آن به طور مشخص موارد ذیل را تحلیل می‌کند:

- مطالعه نظام‌های حمایت اجتماعی با تامین مالی مبتنی بر دریافت مالیات از ثروتمندان (استرالیا).

- طرح‌های حمایت اجتماعی برای کارگران خویش‌فرما (سوئد).

- تأثیرات منفی پوشش حمایت اجتماعی متفاوت روی کارگران استاندارد و غیراستاندارد به لحاظ شیوع اشتغال غیراستاندارد در کشورهای هلند، ایتالیا و اتریش.

● لزوم ایجاد طرح‌های ویژه برای حمایت اجتماعی از کارگران غیراستاندارد؛ برای مثال نظام حمایت از کارگران غیراستاندارد در فرانسه (RSI) و برنامه‌هایی که حمایت اجتماعی برای خرده‌گروه‌های خاص کارگران در مشاغل نوآورانه ایجاد می‌کند (طرح بیمه هنرمندان در آلمان و فرانسه).

این گزارش بصیرت‌های سیاست‌گذارانه مناسبی را برای تامین اجتماعی بهینه‌تر کارگران فراهم می‌کند و مباحث جالبی را برای ایجاد حمایت اجتماعی از کارگران گیگی و نیز افزایش تامین اجتماعی کارگران منعطف براساس تقاضای موجود، مطرح می‌کند. در قسمت دیگری، این گزارش تصریح می‌کند که نظام‌های حق بیمه تامین اجتماعی باید با شکل‌های جدید و مختلف اشتغال هماهنگ شود تا این کارگران را نیز تحت پوشش قرار دهد و مطمئن شود که نظام حمایت اجتماعی، کارگران در معرض خطر را نیز همچون ایتالیا و اتریش پوشش می‌دهد. راهکار اصلی پیشنهادی این گزارش، ایجاد ممانعت قانونی از اشتغال غیررسمی، موقت و غیره است تا از این طریق مانع محرومیت این کارگران از بیمه اجتماعی شوند. همچنین یکی دیگر از نتایج این گزارش آن است که طرح بیمه‌های اختیاری برای کارگران غیراستاندارد، ناکارآمد است. چون از یک‌سو این کارگران فاقد توان پرداخت هزینه‌های بیمه خویش‌فرما هستند و از سوی دیگر نظام‌های بیمه‌ای نیز از نظر میزان تمایل و ورود افراد بیمه‌شده در معرض خطر بزرگی قرار می‌گیرند. این گزارش، نمونه سوئد را به عنوان یک تجربه موفق در بیمه کارگران مثال می‌زند. طبق تجربه سوئد، دولت کارگران غیراستاندارد و غیررسمی را تحت پوشش قرار می‌دهد و با یارانه‌های عمومی، نرخ پوشش بیمه‌ای آنها را بالا نگه می‌دارد.

در بخش دیگری از این گزارش به «کارگران آنلاین» اشاره شده است که در سالیان اخیر رشد زیادی داشته‌اند. این کارگران به شدت به لحاظ زمان، مکان و استقلال کاری در معرض صدمه هستند. طبق این گزارش، نظام‌های حمایت اجتماعی باید تمهیداتی را طراحی کنند تا این کارگران در برابر شوک‌های درآمدی، شغلی و نوسانات تقاضای کار ایمن باشند. در اکثر مواقع، قانون حداقل دستمزد و سقف زمان کار در مورد این کارگران رعایت نمی‌شود، آنها فاقد اتحادیه‌ها و نهادهای کارگری هستند. همچنین دادگاه‌های مربوط

به کار، قوانین را برای احقاق حق آنها به خوبی اجرا نمی کنند. این گزارش می افزاید که هیچ تبعیضی نباید در ایجاد حمایت اجتماعی بین این کارگران نوظهور و کارگران سنتی وجود داشته باشد. ظهور این کارگران جدید، پتانسیلی است برای افزایش پوشش حمایت اجتماعی. بهترین راه برای دستیابی به این هدف، طراحی مکانیزم‌هایی است برای انتقال این کارگران از اقتصاد غیررسمی به اقتصاد رسمی.

در بخش دیگری از این گزارش روی افزایش حمایت و تامین در آمدی برای کارگران با ساعات کار منعطف (چه کارگران آنلاین و چه غیر آنلاین) تاکید می شود چراکه این کارگران به دلیل خلاءهای قانونی موجود، فاقد روابط شغلی منظم و قاعده مند هستند و به راحتی از نوسانات تقاضای شغلی آسیب می بینند. راهکار پیشنهادی این گزارش، ایجاد دستمزدی فراتر از حداقل دستمزد برای این کارگران از طرف دولتها و برخورد با کارفرمایان متخلف است چراکه این کارگران به شدت در معرض خطرند. همچنین ملزم ساختن کارفرمایان به بیمه کردن این کارگران، از راهکارهای دیگر این گزارش برای بهبود وضعیت این کارگران است. برای مثال طبق این گزارش در استرالیا، هم اکنون دولت این کشور هر سال برای کارگران موقت و گیگی و غیره، یک دستمزد بهینه تعریف می کند که فراتر از حداقل دستمزد کارگران رسمی و دائمی است.

گرجستان: افزایش چهار برابری حمایت اجتماعی از کودکان

در تحولی دیگر در ماه نوامبر، ماموکا باختادزه، نخست وزیر گرجستان اعلام کرد که کمک هزینه حمایت اجتماعی برای کودکان در معرض خطر تا سن ۱۶ سالگی به میزان ۴۰۰ درصد افزایش خواهد یافت. این تغییر در بودجه سال ۲۰۱۹ اعمال خواهد شد.

طبق گفته نخست وزیر گرجستان، مهمترین اولویت کابینه او، رفاه مردم است. او در این خصوص و بعد از اعلام این تغییر گفت: «در دولت من باید تغییرات بزرگی در زمینه سیاستگذاری اجتماعی به خصوص در زمینه مراقبت سلامت انجام شود. مهم تر از همه باید نظام سلامت فراگیر و نظام های بیمه ای برجسته شوند. برای سیاست حمایت اجتماعی ما اعلام کرده ایم که تغییرات

مهمی را انجام خواهیم داد. متأسفانه در وضعیتی هستیم که کودکان بسیاری نیاز به توجه اجتماعی و نظام مراقبت از طرف دولت دارند. ما از این واقعیت آگاه هستیم که نظام موجود حمایت اجتماعی باید تغییر یابد.^۱ طبق این اظهارات، گرجستان در نظر دارد تا نظام حمایت اجتماعی خود را گسترش دهد. علاوه بر حمایت از کودکان زیر ۱۶ سال، دولت این کشور برنامه‌هایی نیز در زمینه کمک‌هزینه خانوار در نظر گرفته است که در سال آینده اجرایی می‌شود.

گزارش جهانی حداقل دستمزد ILO: بیشترین سقوط دستمزد کارگران در ۱۰ سال گذشته



در اواخر ماه نوامبر، گزارش مهم روندهای دستمزدی در سطح جهان از طرف سازمان بین‌المللی کار (ILO) منتشر شد. طبق این گزارش، روند رشد دستمزد کارگران در جهان، بسیار ضعیف و کند شده است. همچنین اختلاف دستمزد زنان و مردان همچنان در سطح بسیار زیادی بالاست یعنی به طور متوسط حدود ۲۰ درصد اختلاف بین دستمزد یک کارگر مرد و یک کارگر زن در مشاغل یکسان نیز مشاهده می‌شود.

براساس این گزارش نرخ حداقل دستمزد کارگران در سطح جهان در سال ۲۰۱۷ به پایین‌ترین میزان خود از سال ۲۰۰۷ سقوط کرده است یعنی به مراتب پایین‌تر از زمانی که بحران مالی اقتصاد جهانی رخ داد. یافته‌های این گزارش اشاره می‌کند که شرایط واقعی رشد دستمزد جهانی (طبق تورم قیمت‌ها) از ۲،۴ درصد در سال ۲۰۰۷ به میزان ۱،۸ درصد کاهش یافته است. یافته‌های این گزارش تحقیقاتی، براساس آمار و اطلاعات ۱۳۶ کشور جهان به دست آمده است. در خصوص تحلیل روند نزولی دستمزدها این گزارش تصریح می‌کند که نرخ رشد دستمزدها در کشورهای پیشرفته گروه ۲۰ (G۲۰)، از ۲،۴ درصد در سال ۲۰۰۷ به ۹ دهم درصد در سال ۲۰۱۶ و سپس به چهار دهم درصد در سال ۲۰۱۷ کاهش یافته است. برعکس، در کشورهای با اقتصاد

1. <http://georgiatoday.ge/news/13035/Social-Protection-Allowance-for-Vulnerable-Children-to-Increase>

نوظهور و در حال توسعه حاضر در گروه ۲۰ (G۲۰)، رشد واقعی دستمزد بین ۴,۹ درصد در سال ۲۰۱۶ و ۴,۳ درصد در سال ۲۰۱۷ در نوسان بوده است. گوی ریدر مدیر کل سازمان بین‌المللی کار در این خصوص می‌گوید: «گنج‌کننده است که ما در کشورهای پردرآمد، رشد پایین دستمزدها را در امتداد رشد تولید ناخالص داخلی و کاهش بیکاری می‌بینیم. شواهد جدید نشان می‌دهند که این نرخ نزولی دستمزدها در سال ۲۰۱۸ نیز ادامه یافته است. این سرکوب دستمزدها، مانع رشد اقتصادی و نیز مانع بهبود استانداردهای زندگی است. کشورها باید با همکاری شرکای خود، در زمینه یافتن راه‌هایی برای رشد دستمزد عادلانه اقتصادی و اجتماعی تحقیق کنند.»

لازم است بدانیم که طبق این گزارش، طی ۲۰ سال گذشته میانگین دستمزدهای واقعی، تقریباً در کشورهای نوظهور و کشوری در حال توسعه در گروه ۲۰ (G۲۰) به میزان سه برابر افزایش یافته است، در حالی که در کشورهای پیشرفته گروه ۲۰ (G۲۰)، این رشد فقط به میزان ۹ درصد بوده است. اما در بین کشورهای با درآمد پایین یا متوسط، نابرابری دستمزدی به میزان بسیار زیادی باقی مانده است و دستمزدها همچنان برای تامین نیازهای کارگران و خانواده‌های آنها، ناکافی است.^۱

این گزارش همچنین میزان اختلاف دستمزد براساس جنسیت را نیز به شیوه‌ای نوآورانه و دقیق‌تر محاسبه کرده و از داده‌های بیش از ۷۰ کشور جهان و حدود ۸۰ درصد از کارگران سراسر جهان بهره برده است. این داده‌ها نشان می‌دهد که در سطح جهانی، زنان تقریباً ۲۰ درصد کمتر از مردان دستمزد دریافت می‌کنند. مدیر کل سازمان بین‌المللی کار در این خصوص می‌گوید:



«اختلاف دستمزد براساس جنسیت یکی از بزرگ‌ترین نمونه‌های بی‌عدالتی اجتماعی است و همه کشورها باید سعی کنند تا دلیل آن را بفهمند و به سوی برابری جنسیتی حرکت کنند.»

1. https://www.ilo.org/global/about-the-ilo/newsroom/features/WCMS_650551/lang--en/index.htm

یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که در کشورهای پردرآمد، در سطوح بالای درآمدی است که بیشترین تفاوت دستمزد بین زن و مرد وجود دارد؛ در حالی که در کشورهای با درآمد پایین یا متوسط، اختلاف دستمزد بر اساس جنسیت در سطوح پایین دستمزدی و درآمدی مشاهده می‌شود.

با استفاده از شواهد تجربی، این گزارش همچنین نشان می‌دهد که تبیین‌های سنتی نظیر اختلاف در سطح آموزش بین مردان و زنانی که در یک شغل همسان کار می‌کنند، نقش محدودی در تبیین تفاوت پرداختی‌ها و دستمزدها دارند. در بسیاری از کشورها، زنان حتی زمانی که در یک رده شغلی همسان، از مردان تحصیلات بیشتری دارند، همچنان دستمزد کمتری دریافت می‌کنند. همچنین در کارهای با نیروی کار بیشتر زنانه، میزان دستمزدها باز هم برای زنان نسبت به مردان، پایین‌تر است.

فاکتور دیگر که در بررسی اختلاف دستمزد جنسیتی سنجیده می‌شود، «مادر بودن» است. این گزارش نشان می‌دهد که مادران، دستمزد کمتری نسبت به کسانی که مادر نیستند، دریافت می‌کنند. دلایل این مسئله می‌تواند مجموعه‌ای از دلایل، شامل وقفه‌های بازار کار، کاهش زمان کاری، اشتغال در مشاغل با ماهیت دوستانه‌تر و خانوادگی‌تر با دستمزد پایین و نیز تصمیمات کلیشه‌ای درباره ارتقا در شرکت‌ها و موسسات خصوصی باشد. نکته شگفت‌آور این گزارش آن است که زنان پیش از مادر شدن نیز اختلاف دستمزد با مردان دارند و این اختلاف پس از مادر شدن، تشدید می‌شود.

پاکستان: حمایت اجتماعی یا تعدیل ساختاری؟



در اواخر ماه نوامبر ۲۰۱۸ دولت جدید پاکستان اعلام کرد که سیاست‌های حمایتی جدیدی را برای اقشار فرودست در نظر گرفته است. عمران خان نخست‌وزیر جدید این کشور، این سیاست‌های حمایتی را چهارچوبی نوین برای حمایت از فقرا در برابر مسائل خاص اقتصادی دانست.

طرح جامع حمایت اجتماعی با هدف غلبه بر معضلات فقر، سلامت، موانع رشد و آموزش تعریف شده است و بیشتر سعی دارد پتانسیل‌های جوانان را حفظ کند و آنها را از دام فقر نسلی بیرون بکشد.^۱

اما همزمان با اعلام این سیاست‌های جدید حمایت اجتماعی، دولت پاکستان در همین ماه و در جلسات بسیاری با همکاری مشاوران و مسئولین اقتصادی، سیاست اقتصادی جدید خود را نیز اعلام کرد. رئیس اصلی این سیاست، حمایت از تامین مالی برای توسعه، افزایش صادرات، تقویت بنگاه‌های کوچک و متوسط اقتصادی، اصلاحات مالیاتی و ایجاد اشتغال است که تاثیر اصلی این سیاست‌ها روی همان کارگرانی است که مجمع شورای اقتصاد این کشور قصد حمایت از آنها را دارد. در واقع به نظر می‌رسد سیاست‌های اقتصادی پاکستان، متناقض است. اما در همین ماه دولت پاکستان اعلام کرد که این اصلاحات ساختاری که در گام نخست در یک برنامه ۱۰۰ روزه اجرا خواهد شد، میان‌برده‌ای است از سیاست‌هایی گسترده‌تر که تامین مالی آن را بانک جهانی (WB) برعهده گرفته است. مجمع شورای اقتصادی پاکستان (EAC) در این جهت و در همین ماه، درخواست وامی به مبلغ ۴۲ میلیارد دلار از بانک جهانی (WB) کرد. دلیل درخواست برای دریافت این وام، اجرای برنامه کاهش فقر اعلام شده است اما تحلیلگران بر این عقیده‌اند که این وام در واقع در حکم پشتیبان اجرای سیاست تعدیل ساختاری دولت پاکستان در جهت فشار هرچه بیشتر به کارگران و فرودستان است. لازم به ذکر است که این سیاست‌ها در دولت قبلی پاکستان نیز اجرا می‌شد و آن دولت نیز درخواست چنین وامی را از بانک جهانی داشت. دولت فعلی نیز اگرچه در لفظ، مخالف دولت قبلی است اما در عمل همان سیاست‌ها را دنبال می‌کند. با ادامه این سیاست‌های ریاضتی در پاکستان، به نظر می‌رسد همچنان مسیر توسعه‌نیافتگی اقتصادی و اجتماعی، تشدید فقر و تعمیق نابرابری در دولت جدید نیز ادامه خواهد یافت.

1. <https://www.pakistantoday.com.pk/2018/11/25/pm-approves-social-protection-framework-for-vulnerable-segments/>

مصر: فشار بر مردم و تداوم سیاست ریاضتی دولت سیسی



در اواخر ماه نوامبر، دولت نظامی مصر اعلام کرد که میزان هزینه‌های ارتش این کشور را افزایش خواهد داد.

این تصمیم در بودجه عمومی این کشور به معنای کاهش مخارج عمومی در حق مردم و کارگران و نیز تحمیل ریاضت هرچه بیشتر به آنها است. با گذشت ۵ سال از کودتای نظامی که در نهایت ژنرال عبدالفتاح السیسی را از سال ۲۰۱۳ به قدرت رساند، بودجه ارتش این کشور ۲۱۵ درصد افزایش یافته است.



با خرجی معادل ۶٫۶ میلیارد دلار، مصر هم اکنون سومین واردکننده بزرگ تجهیزات نظامی در جهان پس از هند و عربستان سعودی است. در کنار این مخارج هنگفت نظامی، دولت مصر پروژه‌های جاه‌طلبانه عجیبی را توسط پیمانکاران بخش نظامی به اجرا گذاشته است.

این موضوع فشار عظیمی را به بودجه رفاهی این کشور وارد ساخته و آن هرچه محدودتر ساخته است. برای مثال به تازگی دولت نظامی سیسی، یک شهر اداری را در بیرون قاهره در دست ساخت دارد که هزینه‌ای بالغ بر ۳۰۰ میلیارد دلار خواهد داشت. همچنین سیسی در سال ۲۰۱۵ حدود ۸ میلیارد دلار صرف توسعه کانال سوئز کرد. این هزینه‌های افسارگسیخته که در خدمت منافع نظامیان و پیمانکاران بزرگ نظامی است، باعث شد که در ماه نوامبر بانک مرکزی این کشور اعلام کند که میزان بدهی خارجی این کشور به رقمی نزدیک به ۹۲ میلیارد دلار رسیده است. از این رقم، تنها میزان پرداخت بهره این بدهی‌ها حدود ۳۰ میلیارد دلار است یعنی چیزی معادل ۳۸ درصد بودجه سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۱۹ مصر. چند ماه قبل محمد مایت، وزیر اقتصاد مصر به طور علنی اعلام کرد که میزان هزینه‌های این کشور به «مشکلی بزرگ» تبدیل شده است.^۱

1. https://www.middleeasteye.net/news/egyptians-suffer-under-austerity-si-si-splashes-cash-his-military-975559610?fbclid=IwAR1plwgh2MaBGUu7m-mv_IgJ4j5eDu__7z1UVGJ2EYfZ1edrFwjWRSP89__c

با این وصف، می‌توان گفت که اقتصاد این کشور در سالیان اخیر دچار یک بیماری بزرگ شده است. در سال ۲۰۱۶ مصر یک وام ۱۶ میلیارد دلاری از صندوق بین‌المللی پول (IMF) دریافت کرد تا اقتصادش را از فروپاشی نجات دهد. اما این صندوق در ازای دریافت این وام، برنامه‌ای را برای اقتصاد این کشور ارائه کرد که بر مبنای آن دولت باید یارانه‌های بخش انرژی و یارانه‌های غذایی مردم این کشور را قطع کند. همچنین دولت باید شرکت‌ها و کارخانه‌های دولتی را به بخش خصوصی واگذار کند و خدمات عمومی را شدیداً کاهش دهد. اجرای همه این سیاست‌ها، منجر به کاهش ارزش پول این کشور نیز شد. متعاقب اجرای این سیاست‌ها در هفتم نوامبر، دولت اعلام کرد که بلیط مترو باز هم در ماه دسامبر افزایش خواهد یافت. آخرین بار که قیمت مترو در ماه می سال ۲۰۱۸ افزایش یافته بود، منجر به تظاهرات و بازداشت معترضان شد. در یازده نوامبر نیز علی‌المصلحی، وزیر تامین اجتماعی این کشور اعلام کرد دولت کارت‌های غذایی را از کارگران پس خواهد گرفت. در ژوئن نیز دولت قیمت گاز را ۵۰ درصد افزایش داده بود. این برنامه‌های ریاضتی، رفاه و رفع نیازهای بیش از نیمی از مردم مصر را که در آستانه یا زیر خط فقر قرار دارند، به خطر انداخته است. همچنین دولت مخارج عمومی بخش سلامت، آموزش و خدمات عمومی را نیز به شدت کاهش داده است. همه این تغییرات، تحت توصیه و تحت فشار صندوق بین‌المللی پول (IMF) اجرا شده است. اما به رغم تحسین مصر از طرف این صندوق، اوضاع اقتصادی و رفاهی مردم این کشور دقیقاً به دلیل اجرای این برنامه، روز به روز بدتر از قبل می‌شود. سطوح بسیار بالای تورم و نیز محرومیت فزاینده مردم مصر از خدمات اجتماعی دولتی، وضعیت زندگی اکثر مصری‌ها را به شدت تحت تاثیر قرار داده است. طبق آمارهای سازمان بین‌المللی مهاجرت^۱، اقتصاد مصر نیاز دارد که سالانه ۷۵۰ هزار شغل برای نسل جدید ایجاد کند اما این کشور در مسیر اجرای این حجم از اشتغال شکست خورده است و سطح بیکاری هم اکنون در این کشور بالای ۱۰ درصد است. بیشتر کارخانه‌ها در این کشور دروضع بحرانی به سر می‌برند و شاخص بازار سهام این کشور

1. https://publications.iom.int/system/files/pdf/egypt_labour_market_report.pdf

نیز بیش از ۷ درصد کاهش یافته است. در اکتبر ۲۰۱۸ تورم اقتصاد مصر، بیش از ۱۷ درصد بود که بیشترین میزان در دو سال گذشته است. آمارها نشان می‌دهد تورم کلی نیز در سال ۲۰۱۷ بیش از ۳۰ درصد بوده است. تحلیلگران معتقدند اجرای سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول در مصر منجر به این وضع وخیم اقتصادی شده است و با ادامه این برنامه، وضعیت رفاه و تامین اجتماعی کارگران و مردم این کشور بدتر از قبل خواهد شد.

جلیقه زردها: جنبشی برای تامین اجتماعی همگانی

حدود دو ماه است که فرانسه و به خصوص خیابان‌ها و معابر پاریس شلوغ است. اما نه شلوغی معمول و روزمره بلکه شلوغی حاصل از اعتراضات یک جنبش مردمی در روز و شب؛ حرکتی که اکنون با نام «جنبش جلیقه‌زردها» در سراسر جهان مشهور شده است. طی این مدت، تصویر غالب رسانه‌های رسمی فرانسه از معترضان چنین است: آنها شیشه مغازه‌ها، فروشگاه‌ها و بانک‌ها را می‌شکنند و هرجا که هستند خشونت و هرج و مرج ایجاد می‌کنند. در بدو امر می‌توان گفت که این جنبش، هویتی سیال، نامشخص و مبهم دارد. اما مردم معترضی که خود را جلیقه‌زردها می‌نامند، یک‌سببه ایجاد نشدند. بیش از ۱۰۰۰ نفر زخمی و بیش از دوهزار نفر در طول این مدت بازداشت شده‌اند. تاکنون ۶ نفر نیز در جریان اعتراضات، به طور مستقیم یا غیرمستقیم کشته شده‌اند و با این همه، هنوز خیابان‌های فرانسه ناآرام است. وضعیت به گونه‌ای است که از یک سو گروه‌ها و اطاق‌های فکر اقتصاددانان جریان اصلی معتقدند کشور فرانسه نیاز به یک مارگارت تاچر جدید دارد تا کارگران و معترضان عادی را درهم بکوبد^۱. از سوی دیگر، برخی اقتصاددانان رفاه‌گرا معتقدند ماکرون به جای تضعیف دولت رفاه فرانسوی، باید به سیاست‌های ریاضتی پایان دهد، وگرنه سقوط دولت او نزدیک است. مطالبات این جنبش متنوع، فراگیر و بعضاً حتی متناقض است اما اعتراض اصلی مردم در این جنبش، به افزایش مالیات بر سوخت، مالیات بر درآمد مردم عادی و کارگر، دستمزد پایین و مهمتر از اینها اصلاحات مدنظر دولت امانوئل ماکرون در حوزه مستمری‌ها و نظام کلی رفاه و تامین اجتماعی فرانسه است. برای تحلیل گسترده‌تر این جنبش در ابتدا سعی خواهیم کرد تحلیلی از کلیت این اعتراضات با تمرکز بیشتر روی مطالبات اقتصادی و رفاهی (به خصوص نظام مستمری‌ها) ارائه دهیم. در پایان این بخش سعی شده است خطوط اصلی راه‌حل و نجات وضعیت فرانسه از این بحران ترسیم شود. همچنین در قسمت پایانی، مقاله کوتاه فرانسویس دوپوس،

1. <https://www.washingtonexaminer.com/opinion/france-needs-a-margaret-thatcher-not-a-weak-emmanuel-macron>

تحلیل‌گر سیاست اجتماعی ترجمه و ضمیمه شده است که به تحلیل و نقد مشخص‌تر برنامه ماکرون برای اصلاح نظام مستمری‌های فرانسه می‌پردازد.

جرقه جنبش

جنبش جلیقه‌زردها ریشه در ماه می سال ۲۰۱۸ دارد. زمانی که زنی به نام پریسیلیا لودوفسکی که در حومه جنوب شرقی پاریس زندگی می‌کرد و کسب و کاری در زمینه فروش لوازم آرایشی به صورت اینترنتی داشت، فراخوانی را برای اعتراض به افزایش قیمت سوخت راه انداخت. او در این فراخوان اشاره کرده بود که مالیات‌ها نیمی از هزینه مردم فرانسه را دربر می‌گیرد و افزایش قیمت سوخت یا همان مالیات بر سوخت، شرایط را برای زندگی مردم عادی سخت‌تر خواهد کرد. بر اساس مصوبه جدید دولت فرانسه، از ابتدای سال آینده میلادی یعنی همان سال ۲۰۱۹، مالیات بر هر لیتر گازوییل ۶.۵ و هر لیتر بنزین ۲.۹ سنت افزایش خواهد یافت.^۱ تا ماه اکتبر به این فراخوان بی‌توجهی شد. اما در این ماه اریک دروت، یک راننده کامیون که در همان ناحیه حومه‌ای محل زندگی خانم لودوفسکی ساکن بود، این فراخوان را با دوستانش در شبکه اجتماعی فیس‌بوک به اشتراک گذاشت. کم‌کم روزنامه‌ها نیز درباره این فراخوان صحبت کردند. ظرف زمان اندکی، تعداد امضاکنندگان طومار این فراخوان از ۷۰۰ نفر به حدود ۲۰۰ هزار نفر رسید و امروز تعداد امضاکنندگان این طومار به بیش از یک میلیون نفر رسیده است. در میان این حجم از استقبال، اریک دروت تصمیم گرفت در روز ۱۷ نوامبر تظاهراتی را برای اعتراض به افزایش قیمت سوخت پیشنهاد کند. او این فراخوان را از طریق رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی منتشر کرد. به زودی بسیار از گروه‌های مستقل در حدود ۱۳ ناحیه در فرانسه به این اعتراضات پاسخ مثبت دادند. تظاهرکنندگان تصمیم گرفتند که موافقت خود را با این اعتراضات با پوشیدن جلیقه‌های زرد نشان دهند. لازم به ذکر است که «جلیقه زرد»، جلیقه‌ای به رنگ زرد شبرنگ است که طبق قوانین راهنمایی و رانندگی فرانسه، هر خودرو باید به آن مجهز باشد تا در صورت نقص فنی و توقف خودرو در بزرگراه، صاحب خودرو این جلیقه زردرنگ را بر تن کند. کسانی که در هسته‌های اولیه

1. <https://fa.euronews.com/2018/11/23/who-are-the-yellow-vests-and-why-they-are-protesting>

این تظاهرات شرکت کردند، زنان و مردانی بودند که خود و خانواده‌هایشان برای رفت‌وآمد به محل کار به اتومبیل وابسته بودند. به همین خاطر دامنه‌ها حاضرین در اعتراضات از صاحبان کسب‌وکارهای کوچک، کشاورزان، کارمندان، پرستاران و رانندگان تا کارگران و بسیاری از اقشار دیگر را دربرگرفت. نکته جالب توجه آن است که طبق آمار و ارقام می‌توان گفت که ادعای معترضان درباره میزان فزاینده مالیات بر مردم عادی در این کشور، درست است. براساس برآوردهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)، فرانسه شدیدترین نظام مالیاتی را در بین کشورهای پیشرفته دارد، به طوری که میزان مالیات‌ستانی در این کشور در سال گذشته بیش از ۴۶ درصد تولید ناخالص داخلی (GDP) این کشور بوده است. جالب آنکه بار اصلی این مالیات‌ها نه بر دوش ثروتمندان و شرکت‌های بزرگ بلکه بر دوش کارگران، مردم عادی و کارمندان است.^۱ بنابراین می‌توان گفت که خواسته و جرقه اولیه معترضان در خصوص کاهش مالیات‌ها کاملاً بر حق است. به خصوص درباره مالیات بر سوخت که طبق آمارها حدود ۶۰ درصد از قیمت سوخت را در فرانسه شامل می‌شود. معترضان معتقدند این مالیات فزاینده بر سوخت، حمل و نقل آنها را از حومه‌ها و مناطق روستایی به شهرها برای کار کردن یا انجام امورات روزانه به شدت پرهزینه و گران می‌کند.

به همین دلیل بیشتر افراد حاضر در روزهای اولیه این اعتراضات، شامل مردم روستاهای نزدیک به شهر و نیز ساکنان مناطق حومه‌نشین بودند. اما امروز پایگاه اجتماعی و اقتصادی تظاهر کنندگان، بسیار وسیع‌تر از خاستگاه اولیه آن شده است؛ به طوری که بسیاری از اقشار طبقه متوسط، کارگران شهرها، دانشجویان و روشنفکران را نیز دربر گرفته است.

وسعت جنبش

به درستی نمی‌توان گفت که وسعت جنبش تا چه حد است. در مقیاس‌های فرانسوی می‌توان گفت که جنبش نسبتاً بزرگ (هرچند نه خیلی عظیم) است. بسیاری از فعالان این جنبش از جمله معترضان هستند که در حرکات اعتراضی چندسال پیش یعنی در اعتراضات موسوم به «کلاه قرمزا» در

1. <https://www.apnews.com/f9625562f6774dcabfbfc91812d29669>

اعتراض به افزایش مالیات کامیون ها در سال ۲۰۱۳ و نیز در جنبش «بیدار در شب» در اعتراض به اصلاحات قانون کار فرانسه در دوران وزارت مریم الخمری در سال ۲۰۱۶ نیز حضور داشتند. با این حال به لحاظ مکانی می توان گفت این جنبش بسیار خودانگیخته و اتوماتیک عمل می کند. هر جایی و هر خیابانی می تواند در فرانسه محل حضور جلیقه زردها باشد. این حرکت رهبر خاصی ندارد. به همین سیاق، اتحادیه یا حزب خاصی نیست که سازماندهی مرکزی آن را بر عهده داشته باشد. حتی بسیاری از کسانی که در جنبش حضور فیزیکی ندارند همبستگی و تمایل خود را به حضور و همراهی در این جنبش به طرق مختلف نشان داده اند. طبق یک نظرسنجی، قریب به هفتاد درصد مردم فرانسه از مطالبات جلیقه زردها در فرانسه و نیز شکل اعتراضات آنها حمایت می کنند. نظرسنجی های بسیاری ظرف این دوماه صورت گرفته است که همگی آنها نشان می دهد که وسعت و حجم افراد حامی این جنبش همچنان روبه افزایش است.

دلایل خشم و اعتراض

بسیاری از معترضان حاضر در این جنبش اعلام کرده اند که قدرت خرید آنها طی سالیان اخیر به شدت کاهش یافته است به طوری که آنها دیگر نمی توانند هیچ تفریح یا تعطیلاتی داشته باشند یا حتی یک وعده غذا در رستوران در هر ماه صرف کنند. به طور خلاصه می توان گفت که هزینه های زندگی مردم فرانسه، تحت تاثیر سیاست های ریاضتی اروپامحور دولت امانوئل ماکرون به شدت افزایش یافته است. این در حالی است که در عوض این سیاست ها، درآمد مردم عادی فرانسه هیچ افزایشی نیافته است. متوسط درآمد مردم فرانسه در سال ۲۰۱۶، در حدود ۱۷۰۰ یورو در هر ماه بوده است. این بدان معناست که بیش از نیمی از مردم فرانسه زیر این حد متوسط زندگی می کنند. این میزان درآمد، نمی تواند هزینه اجاره خانه، غذا، لباس و مخارج دیگر را تکفل کند. حالا و طبق مصوبه جدید، هزینه سوخت هم به آن افزوده شده بود. معترضان معتقدند که آنها در نتیجه سیاست های اقتصادی دولت فقیرتر شده اند و به همین خاطر دولت باید مزایای رفاهی مردم، از جمله یارانه های دولتی را در بخش های مختلف افزایش دهد. امروز کارگران

بخش‌های مختلف فرانسه در نزدیکی خط فقر زندگی می‌کنند و دولت باید مزایای رفاهی را برای آنها افزایش دهد. در چنین بستری، افزایش مالیات سوخت آب سردی بود که بر پیکر مردم و کارگران ریخته شده بود. با وجود این، ماکرون در بودجه سال اول ریاستش، مالیات بر ثروت را برای ثروت‌های بالای ۱,۳ میلیون یورو لغو کرد. علاوه بر این بی‌عدالتی آشکار، باید در نظر داشت که تحت تاثیر سیاست‌های دولت ماکرون، حمل و نقل عمومی در قسمت‌های روستایی و حومه شهرها به شدت تضعیف شده است و ساکنان این مناطق، هیچ جایگزینی برای خودروها و تاکسی‌های شخصی برای حمل و نقل خود ندارند. همچنین این مالیات بر سوخت بسیار بیشتر از مالیات‌هایی است که بر حقوق‌های بسیار بالا اعمال می‌شود. در واقع معترضان معتقدند دولت به جای آنکه هزینه بخش سلامت، تامین اجتماعی و بیمه‌های بیکاری را از افراد پردرآمد بگیرد، بار این هزینه‌ها را بر دوش مردم عادی و طبقات پایین جامعه تحمیل کرده و علاوه بر اینها، از کیفیت و حجم خدمات رفاهی نیز کاسته است.

پس زمینه اقتصادی

با گذشت بیش از یکسال و نیم از دوران ریاست‌جمهوری ماکرون می‌توان گفت سیاست اقتصادی ماکرون در داخل دو رکن اصلی داشته است. نخست ایجاد اصلاحات ساختاری برای رشد اقتصادی این کشور و کاهش سطح بیکاری مداوم. دوم، ریاضت مالی شدید در مخارج اجتماعی دولت. هر دو رکن سیاست اقتصادی ماکرون، در جهت کاهش بدهی‌های این کشور و بیش از هر چیز نشان‌گر سلطه بی‌چون و چرای مدل اقتصادی تحمیل شده از سوی آلمان است که امروز بر اتحادیه اروپا نیز حاکم است.^۱ به رغم برقراری این نظام انقباضی در داخل، همچنان طبق برآوردها فرانسه بیشتر از ۳,۵ درصد تولید ناخالص داخلی خود بدهی دارد که از معیار حداکثر ۳ درصدی اتحادیه اروپا بیشتر است.

با وجود اجرای این سیاست‌های ریاضتی، دولت ماکرون وضعیت اقتصادی

1. <https://www.barrons.com/articles/the-yellow-vest-protests-emmanuel-macron-and-whats-next-for-frances-economy-51544619600>.

مردم فرانسه را نه تنها بهبود نبخشیده بلکه از جهات بسیاری اوضاع بدتر نیز شده است. نرخ بیکاری در فرانسه حدود ۹ درصد است یعنی فرانسه در میان چهار کشوری قرار دارد که بالاترین نرخ بیکاری را در کل اتحادیه اروپا دارد. به خصوص در قیاس با آلمان، نرخ بیکاری مردم فرانسه تقریباً دو برابر است. همچنین طبق آمارهای اتحادیه اروپا، میزان رشد اقتصادی فرانسه بسیار پایین ست و در سال ۲۰۱۹ نیز نرخ رشد اقتصادی این کشور به ۱٫۶ درصد کاهش خواهد یافت. لازم است بدانیم که این نرخ رشد اقتصادی فرانسه در سال ۲۰۱۸ چیزی حدود ۱٫۷ درصد بود. طبق گزارش موسسه مستقل دیده بان اقتصادی فرانسه (OFCE)^۱ قدرت خرید ۵ درصد خانوارهای فرودست این کشور به شدت پایین آمده و به طور همزمان، قدرت خرید ۵ درصد خانوارهای فرادست این کشور به شدت افزایش یافته است.

اما در چشم اندازی بلندمدت تر می توان علل وقوع اعتراضات در فرانسه را سیاست های کلی دولت امانوئل ماکرون نه تنها در بخش افزایش قیمت سوخت و حامل های انرژی بلکه در کاهش خدمات و مزایای حوزه رفاه و تامین اجتماعی دید. ماکرون از زمان ریاست جمهوری اش، مالیات بر شرکت های بزرگ را کاهش داده بود. همچنین او مرتب از سیاست های تشویق سرمایه گذاری مطابق با دستورالعمل های اتحادیه اروپا (EU) و صندوق بین المللی پول (IMF) سخن می گفت؛ به طوری که در جهت تحریک سرمایه گذاری، مالیات بر شرکت ها و نیز مالیات بر ثروت را کاهش داد و از طرف دیگر مالیات بر حقوق و دریافتی های مستمری بگیران و کارگران را بالا برد. نشریه نیو ریپابلیک در خصوص برنامه اصلاحات اقتصادی ماکرون می نویسد: « این دستورالعمل اصلاحات از دستورالعمل آلمان در سال ۲۰۱۰ اقتباس شده بود که مبتنی بود بر کاهش حمایت های شغلی، کاهش مستمری ها و مزایای بیمه بیکاری. به بیان ماکرون، "اصلاحات ساختاری" یعنی نابرده رنج، گنج میسر نمی شود... شما لحظه حال حاضر را فدا می کنید به امید آنکه در آینده پاداش بگیرید»^۲. اما اجرای این دستورالعمل اروپایی و نتولیرالی، نه پاداشی در پی داشت و نه آینده ای جز بیکاری، رکود و افزایش فشار هر چه بیشتر بر زندگی مردم. به

1. French Economic Observatory

2. <https://newrepublic.com/article/152814/rough-year-ahead-france>

طور مشخص افزایش مالیات بر پرداختی مستمری‌ها چیزی نبود جز تنبیه هرچه بیشتر جوانان بیکار. متعاقب اعلام سیاست‌های ریاضتی، دولت در بخش هزینه‌های رفاهی برنامه‌ای را اتخاذ کرد که اصل اولیه آن کاهش مخارج اجتماعی و عمومی دولت بود. این سیاست‌های ماکرون، پیامی مثبت برای سرمایه‌داران داخلی و خارجی تلقی می‌شد اما برای مردم فرانسه حامل معنای دیگری بود. آنها پس از ۱۸ ماه زمامداری ماکرون، اکنون او را «رئیس جمهور ثروتمندان» می‌نامند، نه رئیس جمهور مردم فرانسه. امروز به نظر می‌رسد می‌توان از ظهور ماکرون‌نیسم در اقتصاد و سیاست‌های رفاهی فرانسه صحبت کرد. اصل اولیه ماکرون‌نیسم این است: دولت رفاه فرانسوی را به شدت زیر ضرب و حمله بگیر. او از همان ابتدا نیز وعده داده بود که دولت رفاه فرانسه را تعمیر و اصلاح خواهد کرد.^۱ اما اتفاقی که افتاد تضعیف دولت رفاه، کاهش مخارج عمومی در لوای ایدئولوژی «عظمت فرانسه» است. چیزی که او در سخنرانی نخست‌اش در کاخ ورسای نیز بر آن تاکید کرد. سیاست‌های تسهیل قوانین کار، کاهش مالیات شرکت‌های بزرگ و نیز ایجاد فشار بر کارگران شرکت راه‌آهن دولتی از طریق کاهش مزایا و حقوق شغلی آنها و نیز صحبت از واگذاری آن به بخش خصوصی براساس الگوی انگلیسی^۲، بیش از هر چیز مشخص کرد که ماکرون، رئیس جمهور سرمایه‌ست.

مطالبات جلیقه‌زرها

تقاضاهای معترضان جلیقه‌زرد بسیار وسیع است اما به طور کلی می‌توان مطالبات آنها را حول مفهوم تامین اجتماعی در معنای عام و نیز تامین اجتماعی در معنای خاص این کلمه، صورت‌بندی کرد. این جنبش شرکت‌کنندگانی دارد که تنوع جایگاه‌های اجتماعی و طبقاتی اعضای آن بسیار گسترده و کثیر است و به راحتی نمی‌توان لیستی از مطالبات آنها را برشمرد. لایه میانه‌رو حاضر در این جنبش، حاضر به گفتگو با دولت با پیش شرط عدم افزایش قیمت سوخت بودند اما لایه‌های رادیکال‌تر این جنبش، تنها و تنها خواستار استعفای

1. <https://www.theguardian.com/world/2018/jul/09/macron-pledges-to-overhaul-french-welfare-state>

2. <https://www.theguardian.com/world/2018/feb/26/emmanuel-macron-takes-on-french-unions-to-cut-rail-workers-rights>

امانوئل ماکرون هستند. برخی دیگر نیز خواستار انحلال پارلمان و برگزاری انتخابات جدید هستند. با این که احزاب چپ و راست سعی می کنند این جنبش را در جهت اهداف خویش صورت-بندی و مصادره کنند اما معترضان چندان به رهبری این احزاب توجه نمی کنند. به طور ضمنی می توان گفت که آنها بیش از هر چیز، خواستار یک نظام فراگیر رفاه و تامین اجتماعی همگانی به خصوص برای فقرا، کارگران و طبقات متوسط رو به سقوط هستند که امروز اکثریت مردم فرانسه را تشکیل می دهند. به بیان ساده تر، اگرچه جرقه اولیه این حرکت، اعتراض به افزایش مالیات سوخت بود اما در حقیقت این جنبش در اعتراض به فشارهای فزاینده ای است که دولت ماکرون بر مردمان عادی و کارگران فرانسه در ادامه دولت های قبلی وارد کرده است. طبق یک نظرسنجی که نتایج آن در ۲۸ نوامبر منتشر شد، بیش از چهار پنجم کارگران یعنی کارگران یقه آبی و بخش خدمات با این جنبش همراه و همدل هستند و مطالبات خود را درون این جنبش می یابند. این در حالی است که فقط ۵۶ درصد مشاغل یقه سفید و مدیران با مطالبات این جنبش موافق اند.^۱ به همین دلیل می توان خاستگاه اصلی این اعتراضات را افزایش بی عدالتی اجتماعی در جامعه فرانسه دانست و به تبع آن، مطالبه اصلی آنها را برقراری عدالت اجتماعی ارزیابی کرد. معترضان در جهت دستیابی به این هدف، خواستار عدم مداخله دولت در اقتصاد نیستند بلکه آنها می خواهند دولت به شکل عادلانه و منصفانه به مداخله در اقتصاد بپردازد. آنها طی سالیان گذشته، شاهد کاهش تعداد و تعطیلی بیمارستان های دولتی، کاهش خدمات عمومی ادارات پست، کاهش کمک هزینه مسکن، انواع و اقسام خصوصی سازی ها و افزایش قیمت بلیط های حمل و نقل بوده اند. در واقع جلیقه زردها حاصل سرریز انبوهی از مطالبات انباشت شده طی سالیان اخیر در فرانسه است.

اصلاح نئولیبرالی نظام مستمری ها

یکی از خواست های معترضان در جنبش جلیقه زردها، لغو اصلاحات نظام مستمری اعلام شده از سوی ماکرون است. لازم است بدانیم که چیزی حدود ده سال پیش نیز دولت فرانسه به دنبال اصلاح نظام مستمری ها بود اما

1. <https://www.thenation.com/article/france-yellow-vest-protest-macron/>

میلیونها نفر از مردم و به خصوص کارگران با حضور در خیابان‌ها مانع از اجرای این اصلاحات شدند. اما این اصلاحات با پیروزی ماکرون، دوباره و پس از ۱۰ سال، توسط دولت در مرکز مباحثات قرار گرفت. از همان ابتدای پیروزی در انتخابات در حدود ۱۸ ماه پیش امانوئل ماکرون اعلام کرد که نظام مستمری‌های این کشور باید تغییر کند. اما شکل و محتوای این بسته اصلاح مستمری‌ها هنوز مبهم و نامشخص بود و به مرور زمان جزئیات آن روشن شد. طبق برنامه زمانی، دولت اجرای برنامه اصلاح نظام مستمریها را برای سال ۲۰۱۹ در نظر گرفته است که تا سال ۲۰۲۵ به طور کامل به اجرا در می‌آید. طبق سیستم فعلی، نظام مستمری فرانسه دو بخش دارد. در بخش عمومی، مزایا و دریافتی مستمری کارگران بازنشسته بر اساس میانگین دستمزد ۶ ماه پایانی اشتغال فرد است اما در بخش خصوصی، مزایا و دریافتی مستمری کارگران بازنشسته بر اساس میانگین دستمزد ۲۵ سال خدمت آنها است. امانوئل ماکرون به دنبال ایجاد تغییر در این سیستم مستمری است. برنامه اصلاحی او به طور خلاصه شامل دو بخش است: از یکسو ایجاد یک نظام جدید و واحد مستمری برای دو بخش خصوصی و عمومی و از سوی دیگر، ایجاد مجموعه‌ای از مستمری‌های متفاوت و متنوع برای مشاغل مختلف. به طور خلاصه، نظام مستمری جدید ماکرونی بر اساس میزان پرداخت پولی افراد به این صندوق‌ها خواهد بود یعنی به هر میزان که فرد پول بیشتری به صندوق مستمری بپردازد، مزایای بیشتری دریافت خواهد کرد. کارگران و اتحادیه‌های مستقل کارگری شدیداً با این اصلاحات ماکرون مخالفند چراکه این اصلاحات را در جهت پولی‌سازی صندوق‌های مستمری و نیز خصوصی‌سازی و انفرادی ساختن این صندوق‌ها ارزیابی می‌کنند. ایجاد صندوق‌های خصوصی و انفرادی در تقابل است با ماهیت جمعی صندوق‌های مستمری فعلی در فرانسه. کارگران همچنین معتقدند این اصلاحات، سطح استانداردهای زندگی و معیشت را برای آنها به شدت کاهش داده و آنان را به آستانه فقر و بینوایی خواهد انداخت. بنابراین اصلاحات مستمری مدنظر ماکرون یکی از دلایل زمینه‌ای وقوع اعتراضات خیابانی از سوی مردم، کارمندان و کارگران فرانسه شد

1. <https://www.usnews.com/news/world/articles/2018-10-10/macrons-pensions-shake-up-to-take-effect-in-2025>

چراکه فشار هرچه بیشتری را روی کارگران و مردمی ایجاد می‌کرد که برای سالیان متمادی حق بیمه این صندوق‌ها را به شکل جمعی پرداخته بودند تا از مزایای اجتماعی این مستمری‌ها نیز به شکل جمعی بهره‌گیرند. با این وصف، امروز موضوع مستمری‌ها به چالشی بزرگ برای دولت ماکرون تبدیل شده است. طبق برنامه اصلاحی، دولت از نظر اقتصادی راست‌گرای ماکرون در نظر دارد که نظام مستمری چندگانه و جمعی فرانسه را با یک نظام واحد و انفرادی جایگزین کند.¹ به عبارت ساده‌تر، در نظام جدید مستمری‌ها که مدنظر سیاستگذاران اقتصادی ماکرون است، شیوه پرداخت مستمری‌های کارگران و نحوه محاسبه آن تغییر می‌کند. این تغییرات منجر به آن می‌شود که پرداخت‌ها به مستمری‌بگیران به طرق مختلف کاهش یابد. دولت ماکرون قصد دارد به طور رسمی، طرح نهایی اصلاح نظام مستمری‌ها را در میانه سال ۲۰۱۹ ارائه کند و مجمع ملی (مجلس فرانسه) آن را تا پایان سال تصویب و اجرایی سازد. این طرح اصلاح نظام مستمری، تأثیرات منفی مختلفی را بر جامعه فرانسه و رفاه مردم خواهد گذاشت. همه این عوامل، زمینه‌ساز مقاومت از سوی مردم و برپایی اعتراضات هرچه بیشتر بود. علاوه بر اینها، دولت فرانسه قصد دارد که در سال ۲۰۱۹ میزان مزایای خانواده‌ها را پایین‌تر از نرخ تورم بپردازد و معیارهای برخورداری از بیمه بیکاری را به شدت سخت و محدودتر از نظام فعلی کند. مضاف بر اینها و در پرده آخر، دولت قصد دارد تعداد کارکنان بخش دولتی را نیز بسیار کاهش دهد. همه این عوامل، منجر به این شد که به محض وقوع اعتراضات جلیقه‌زرها، مردم ناراضی نسبت به این اصلاحات ریاضتی نیز به جنبش بیوندند. حتی می‌توان گفت صرف نظر از آنکه اعتراضات جلیقه‌زرها به چه سرانجامی برسد، اگر دولت بخواهد این اصلاحات را در نظام مستمری‌ها در سال آینده اجرا کند، جامعه فرانسه درگیر ناآرامی‌های اجتماعی و سیاسی عمیق‌تری خواهد شد.

ماکرون بارها شکایت کرده است که هزینه‌های نظام تامین اجتماعی در فرانسه زیاد است و این بخش از مخارج اجتماعی، باید کاهش یابد. اولویت دولت او تقویت کسب‌وکارهای بزرگ و همزمان، تضعیف قوانین و نظام حمایتی از مردم است. او

1. <https://worldview.stratfor.com/article/long-term-implications-frances-yel-low-vest-protests-macron-economy>

پس از انتخاب به عنوان ریاست جمهوری، بارها اعلام کرده است که سیاست‌های بودجه‌ای خود را براساس معیارهای ریاضتی اتحادیه اروپایی و سرمایه جهانی وضع خواهد کرد. نه خواست‌های داخلی مردم و کارگران فرانسه. به همین خاطر وعده داده است که برای نخستین بار در ۴۰ سال اخیر سعی خواهد کرد توازن را به بودجه فرانسه برگرداند. از مخارج تامین اجتماعی و مستمری‌ها بکاهد و در جهت حمایت از سرمایه شرکت‌های بزرگ حرکت کند. بسیاری از تحلیلگران در داخل فرانسه این اظهارات ماکرون را «سند خودکامه‌گی» او می‌دانند. اما با وقوع جنبش جلیقه‌زدها و در یک عقب‌نشینی موقت، سرانجام ژان پل دلویه^۱ طراح و عضو ارشد برنامه اصلاح نظام مستمری‌ها اعلام کرد مذاکرات مشورتی این طرح که قرار بود در ماه دسامبر به پایان برسد، به ماه ژانویه سال آینده میلادی یعنی ابتدای سال ۲۰۱۹ موکول شده است.^۲ این اظهارات او در کوران تظاهرات جلیقه‌زدها نوعی عقب‌نشینی تاکتیکی بود. طبق اظهارات تحلیل‌گران، به نظر نمی‌رسد که ماکرون و تیم اقتصادی راست‌گرای او به راحتی از اجرای این طرح، دست بکشند.

پاسخ دولت به معترضان

به طور کلی و تا لحظه حال حاضر می‌توان گفت دولت در ظاهر مقابل مطالبات اولیه جلیقه‌زدها زانو زده است اما به یک شرط: بقای ماکرون. امانوئل ماکرون یک ماه پیش اعلام کرد که دولت از تصمیم خود برای افزایش قیمت سوخت صرف نظر کرده است. همچنین او اعلام کرد که به دستمزدهای کارگران تا ۱۵۰۰ یورو، چیزی نزدیک به ۱۰۰ یورو باید افزوده شود. مضاف بر این‌ها دولت از اعمال مالیات ارزش افزوده بر مستمری‌ها اجتناب خواهد کرد. مجموعه این تجدیدنظرها، نخستین عقب‌نشینی ماکرون پس از حدود ۱۸ ماه دوران ریاست جمهوری است. همچنین او تعویق سیاست‌های دیگر دولت در بخش اصلاح مستمری‌ها و نیز اجرای برخی حمایت‌های محدود اجتماعی را در زمینه روابط کار پذیرفت. به رغم این عقب‌نشینی ظاهری ماکرون، معترضان آرام ننشستند و اعتراضات همچنان ادامه دارد. مذاکرات ماکرون با نمایندگان احزاب سیاسی راست و چپ فرانسه و برخی از

1. Jean-Paul Delevoye

2. <https://vaaju.com/franceeng/the-crisis-with-yellow-vests-repeals-the-pension-reform-to-january/>

نمایندگان جلیقه‌زرها ادامه دارد. با این حال اعتراضات نیز متوقف نشده است. یکی از دلایلی که مذاکرات با جلیقه‌زرها به نتیجه مشخصی نمی‌رسد آن است که این معترضان نماینده چندان مشخصی نیز ندارند. با این حال این جنبش نمایندگان پراکنده‌ای دارد که بر سر خواست‌های جنبش، با ادوار فیلیپ نخست‌وزیر فرانسه نیز مذاکراتی کرده‌اند.

چشم‌انداز پیش‌رو و راه‌حل‌ها

هنوز مقیاس فشار سیاسی و اقتصادی این جنبش مشخص نیست. حتی خود دولت فرانسه نیز در خصوص حجم فشار این اعتراضات ارزیابی و تحلیل مشخصی ندارد. به همین خاطر و به رغم سرکوب بسیار شدید پلیسی، دولت هنوز استراتژی روشنی در قبال خاموش کردن شعله اعتراضات ندارد. چیزی که مشخص است پیوستن هرچه بیشتر مردم به معترضان است. این موضوع احتمال وقوع خشونت‌های بیشتر را نیز از دو طرف افزایش می‌دهد. در چشم‌انداز کلی‌تر، به نظر می‌رسد خیابان‌های فرانسه همچنان ملتهب و معترض باقی خواهد ماند. با آمیزه‌ای از رشد اقتصادی پایین، دولت فاقد محبوبیت، اعتراضات روزافزون و نیز فعال شدن مخالفان از راست و چپ، به نظر می‌رسد چشم‌انداز روشنی پیش روی دولت ماکرون وجود ندارد. همچنین فشارهای روزافزون اتحادیه اروپا از خارج، هرگونه اعطای امتیاز از سوی ماکرون به معترضان را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. از سوی دیگر با افزایش نارضایتی‌ها در داخل، حزب حامی امانوئل ماکرون یعنی حزب «جمهوری به پیش»^۱ نخواهد توانست اصلاحات ریاضتی خود را به پیش ببرد. بنابراین جامعه و دولت فرانسه در دوراهی و تنگنای شدیدی قرار گرفته است. طبق این دوراهی، دولت باید بین نیازها و مطالبات مردم در داخل از یکسو و فشارها و دستورالعمل‌های ریاضتی اتحادیه اروپا و نهادهای اقتصادی بین‌المللی، یکی را انتخاب کند. ماکرون اگرچه خاستگاه اروپایی دارد اما در حال حاضر و در وضعیت بحرانی فعلی، بین این دو گزینه در حال رفت و برگشت و سرگردان است. او تا قبل از وقوع اعتراضات به طور سفت و سخت برنامه ریاضتی اتحادیه اروپا را در دستور کار قرار داده بود اما پس از وقوع اعتراضات، دست

1. La Republique En Marche

کم به لحاظ تاکتیکی و در لفظ، موضع خود را تا حدودی تغییر داده است. اما راه‌حل‌ها یا راه نجات فرانسه از این وضعیت چیست؟

در وهله نخست باید در نظر داشت که ماکرون در دوره ریاست جمهوری‌اش دو سیاست اصلی را در داخل و خارج دنبال کرده است: سیاست نخست، آلمانیزه کردن بودجه و بازار کار فرانسه است یعنی تقویت هر چه بیشتر کارفرمایان در جهت تسهیل اخراج و تعدیل کارگران و تحمیل ریاضت بیشتر بر توده مردم از طریق محدودیت هر چه بیشتر نظام رفاه و تامین اجتماعی. این راه‌حل بیش از هر چیز در جهت جلب رضایت اتحادیه اروپا و بیش از همه آلمان بود. سیاست و گام دوم ماکرون، اقناع آلمان به عنوان رهبر اروپا برای برقراری اصلاح و کوچک‌سازی نظام بودجه‌ای در کل اروپا بود. طبق پیشنهاد ماکرون قرار بود یک خزانه یا بانک مشترک برای بیمه سرمایه‌گذاری‌ها و نیز بیمه بیکاری در سطح کل اروپا با حمایت اتحادیه اروپایی پایه‌گذاری شود. اما آنگلا مرکل، صدر اعظم آلمان باهوش‌تر از آن بود که به این دومی رضایت دهد چون به هر حال بار اصلی این برنامه بر دوش آلمان‌ها به عنوان نام‌پنهان اتحادیه اروپایی می‌افتاد. به همین خاطر، ناکامی حرکت ماکرون در گام دوم، برنامه او را به شکست کشاند. از جهاتی، این شکست به شکل نارضایتی و اعتراضات داخلی در فرانسه سرریز کرد و در قالب اعتراضات جلیقه‌زرها آشکار شد. به عبارت دیگر، فاز اول برنامه ماکرون در جهت اعتمادسازی برای جلب توجه آلمان‌ها انجام شد اما مرکل تن به فاز دوم نداد. در نهایت ماکرون کفاره این شکست در خارج را، به شکل اعتراضات در داخل پرداخت.

باید در نظر داشت که ماکرون در سالیان اخیر، مهمترین نماینده اتحادیه اروپا در داخل فرانسه محسوب می‌شد. به همین خاطر شکست ماکرون در اجرای سیاست‌های ریاضتی را می‌توان به عنوان یک نقطه عطف در کل اروپا نیز تلقی کرد، حتی مهم‌تر از برگزیت (خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا). در پرتو این شکست می‌توان پایان رویای اتحاد مالی فرانسه و آلمان و حتی کل اتحادیه اروپا را دید. هم اکنون وضعیت اقتصادی و سیاسی در فرانسه تحت تاثیر اعتراضات جلیقه‌زرها تیره و تار است.

یکی از راه‌های نجات فرانسه از این وضعیت را توماس پیکتی، اقتصاددان

فرانسوی در آخرین مانیفست‌اش برای اتحادیه اروپا بیان کرده است.^۱ راه نجات پیکتی به طور مختصر عبارت است دو سرخط اصلی. نخست، اعمال مالیات هرچه بیشتر بر ثروتمندان، برقراری مالیات تصاعدی بر جمعیت یک‌درصدی مرفه، مالیات بر شرکت‌های بزرگ و مالیات بر درآمدهای بسیار بالا. در گام دوم، پیکتی بر ایجاد معافیت مالیاتی برای مردم عادی، کارگران و کارمندان اشاره می‌کند.

اما راه‌حل دیگر برای نجات فرانسه را یانیس واروفاکیس، اقتصاددان برجسته و وزیر اقتصاد سابق یونان تحت عنوان «نیو دیل سبز»^۲ مطرح کرده است که در پیوند با راه نجات پیکتی است. این راه‌حل که نام آن، یادآور برنامه فرانکلین روزولت پس از جنگ جهانی دوم برای بازسازی اقتصادی اروپاست، مشتمل است بر مالیات‌ستانی فزاینده از شرکت‌های بزرگ به خصوص شرکت‌های آلاینده، مالیات شدید بر ثروتمندان و نیز مالیات بر تکنولوژی‌های بزرگ^۳. باید دید که ماکرون آیا چنین تغییر بنیانی در سیاست‌های خود اعمال می‌کند. شواهد در حال حاضر بیانگر چنین چرخشی نیست و همین اوضاع را برای ماکرون و هیات حاکمه در فرانسه وخیم‌تر خواهد کرد.

1. <https://www.theguardian.com/commentisfree/2018/dec/09/manifesto-divided-europe-inequality-europeans>

2. Green New Deal

3. <https://www.theguardian.com/commentisfree/2018/dec/13/plan-europe-macron-piketty-green-new-deal-britain>

برنامه دولت فرانسه برای تضعیف مستمری‌ها^۱ فرانسیس دوپیوس، تحلیل‌گر رفاه و تامین اجتماعی

ترجمه: سینا چگینی



هفته گذشته، دولت امانوئل ماکرون مجموعه‌ای جدید از اقدامات ریاضتی را با تاکید بر کاهش مستمری‌ها و در ادامه تهاجمات اجتماعی سال اول دوره ریاستش، اعلام کرد. پس از اینکه اتحادیه‌های کارگری در بهار امسال (۲۰۱۸)، اعتصابات را به گونه‌ای سازمان دادند که مانع مبارزه طبقاتی علیه خصوصی‌سازی راه آهن می‌شد، ماکرون در حال افزایش حملات خود با هدف نابودی حقوق اساسی اجتماعی است که پس از آزادسازی کشور از اشغال نازی‌ها به ایجاد شده است.

در حالی که دولت بر عزم خود برای «ادامه کل این مسیر» تاکید دارد، همزمان می‌داند که منزوی و منفور است. رسانه‌های فرانسوی و بین‌المللی، آشکارا نگرانی‌های خود را مبنی بر اینکه ماکرون ضعیف است و با مخالفت فزاینده اجتماعی و بالاتر از همه، رشد اقتصادی پایین روبه‌رو است، ابراز می‌کنند. طبق نظرسنجی منتشرشده از سوی مؤسسه الابه (Elabe)^۲ که چهارشنبه گذشته منتشر شد، فقط ۱۶ درصد از مردم معتقدند سیاست‌های ماکرون روی اوضاع کشور تاثیر مثبت گذاشته است. تنها ۶ درصد معتقدند که ماکرون و نخست‌وزیرش یعنی ادوار فیلیپ، وضع و حال شخصی آنها را بهبود بخشیده‌اند.

دولت در حالی که اقداماتی را برای تضعیف حقوق اساسی اجتماعی

۱. منبع:

<https://www.wsws.org/en/articles/2018/08/28/frpe-a28.html>

۲. یک مؤسسه نظرسنجی معتبر در فرانسه

اعلام کرده است، علنا اظهار می کند که در حال همکاری بسیار نزدیک با اتحادیه های کارگری است. نشریه لوموند در این خصوص نوشت:

« در جهت اینکه دولت می خواهد به نقدهای مبتنی بر انزواپس پاسخ بدهد، برنامه های اجرایی آن به رابطه و پیوند یافتن با اتحادیه های کارگری توجه خواهد کرد، اتحادیه هایی که رئیس جمهور وعده داده است به طور مستقیم تری آنها را با اصلاحات اجتماعی همراه کند».

طی دوره ای که لوموند آن را «دوره ریسک بالای بازگشت به مکتب» (منظور آگاه شدن مردم از سیاست های ریاضتی است) نامید، به خاطر هراس از انفجار اجتماعی که می تواند بوروکراسی اتحادیه ها را در باتلاق فرو ببرد، هیچ چیز مشخصی درباره کاهش خدمات اجتماعی افشا نشده است.

امانوئل ماکرون در حال اجرای سیاست های ریاضتی عمیقی است که توسط اتحادیه اروپا (EU) تهیه شده است. دیوان محاسبات^۱ فرانسه، نهادی که بر اجرای دستور بودجه ای اتحادیه اروپا نظارت می کند، هفته گذشته در آخرین گزارش خود نوشت: «در سال ۲۰۱۷، بهبود بسیار محدود کسری بودجه (۶۷،۷ میلیارد یورو) محصول هم افزایش مخارج و هم افزایش درآمدهای مالیاتی بود» که آن نیز به دلیل افزایش آمار رشد اقتصادی بود. هم اکنون در کوران کاهش رشد فعالیت اقتصادی، این نهاد خواهان کاهش عمیق مخارج اجتماعی است.

در حالی که بدهی دولت فرانسه بسیار بالا است (یعنی ۹۶،۸ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور که یکی از بالاترین میزانهای بدهی در کشورهای حوزه یورو است)، ماکرون به سرعت در حال از بین بردن مالیات بر ثروت (ISF) و کاهش مالیات بر شرکت ها است که ده ها میلیارد یورو را به جیب ثروتمندان بزرگ سرازیر می کند.

طبق گزارش لوموند، ماکرون در بدو امر برای کاهش حدود ۱۰ هزار شغل مربوط به بخش عمومی در سال ۲۰۱۹ به منزله «اصلاحات موثر»، برنامه ریزی کرده است که تعداد این کاهش مشاغل در سال ۲۰۲۰، حتی بیشتر نیز خواهد

1. The Cour des Comptes.

شد. ماکرون طی کمپین انتخاباتی‌اش گفته بود که برای کاهش ۱۲۰ هزار شغل در بخش عمومی برنامه ریخته است.

با این حال تمرکز اصلی این تهاجمات روی دو بخش کلیدی حیات اجتماعی است که بر زندگی کل مردمان کارگر تأثیر می‌گذارد: نخست به اصطلاح «اصلاحات بیمارستانی» و دوم و مهمتر از همه، مستمری‌ها. کاهش مستمری‌ها با همراهی اتحادیه‌های کارگری در نیمه نخست سال ۲۰۱۸ مورد بحث قرار گرفت و تنظیم شد. نشریه لو تریبون^۱ این طرح را «اصلاح سیستمیک» نامید، در حالیکه لوموند آن را «بزرگترین خطر برای هیات اجرایی» تلقی کرد.

دولت به شکل عوام‌فریبانه‌ای مدعی است که این طرح، ایجادکننده «یک نظام واحد است، جایی که برای هر یورو که پرداخت می‌شود، بر حسب این که چه موقع پرداخت شود و چه کسی آن را بپردازد، حقوق همسانی برای همگان وجود دارد». در حقیقت آنچه که تدارک دیده شده، نابودی کامل نظام مستمری‌ها است که تاریخ تاسیس آن به زمان آزادسازی فرانسه (از اشغال نازی‌ها) برمی‌گردد؛ نظامی که به رغم اصلاحات مختلف به سود اشرافیت مالی در دهه ۱۹۹۰ و پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی استالینستی، همچنان پابرجا ماند.

(طبق نظام جدید ماکرون)، نظام مستمری «مبتنی بر امتیازات»^۲ جایگزین نظام مستمری فعلی مبتنی بر «توازن هزینه-درآمد»^۳ (PAYG) خواهد شد. در نظام جدید، مستمری‌ها بر اساس امتیازات انباشتی در یک «حساب کاربری مجازی» شخصی، محاسبه می‌شود و به شکل پول در دوره بازنشستگی بر گردانده می‌شود. کارگران هیچ امتیازی را در دوران بیکاری، اشتغال موقت و از کارفتادگی به دست نمی‌آورند. همانطور که ژان پل دلویه، مسئول رسمی اجرای این طرح به طور مختصر اعلام کرد: «به هیچ کس امتیاز رایگانی تعلق نمی‌گیرد».

مکانیسم‌های مختلفی میزان پرداختی‌های نظام مستمری را هر چه بیشتر کاهش خواهد داد. برای مثال اگر امید به زندگی افزایش یابد، مستمری‌ها (که

1. La Tribune

2. by points

3. pay-as-you-go

علی‌الاصول، دولت پیش‌بینی کرده است در یک دوره طولانی پرداخت کند) کاهش می‌یابد.

حق اجتماعی برای دریافت مستمری ثابت و ارزش به لحاظ قانونی تضمین شده آن، محو و نابود خواهد شد، همان‌طور که دولت هم اکنون می‌تواند ارزش یک «امتیاز» را بنا به صلاح‌دیدش تغییر دهد.

علاوه بر این، سن بازنشستگی قانونی که دیگر به نظام «امتیازات» مرتبط نباشد، نابود می‌شود. کارگران مجبور خواهند بود تا زمانی که «امتیازات» کافی را برای بازنشستگی به دست آورند، کار کنند. برای میلیون‌ها نفر از کارگران این به معنای کار کردن به طور نامحدود است: سن ۶۲ سال فقط به عنوان حداقل سن بازنشستگی حفظ خواهد شد. ژان پل دلویه می‌گوید: «در نظام امتیازات، مفهوم کار ثابت و طولانی از بین خواهد رفت. تعداد امتیازات شما، به شما این اجازه را می‌دهد که یک تصمیم شخصی بگیری: من امتیازات کافی را دارم و مستمری من به اندازه کافی زیاد است پس من بازنشسته می‌شوم. اگر امتیازات کافی ندارم، پس من بازنشسته نمی‌شوم و به کار ادامه می‌دهم.»

نظام مستمری مبتنی بر «توازن هزینه درآمد» که توسط مقامات شورای ملی مقاومت^۱ (CNR) در سال ۱۹۴۵ ایجاد شد، باعث کاهش میزان فقر کارگران مسن‌تر در سالهای دهه ۱۹۷۰ شد؛ فقری که در میان نسل‌های قبلی، خودکار و گسترده شده بود.

بنابراین نظام مستمری مبتنی بر «امتیازات»، مسیر تامین مالی مستمری‌ها از طریق حساب‌های سرمایه‌گذاری را هموار می‌کند، کارگران را مجبور به پرداخت هزینه مستمری‌ها به سود افراد پردرآمد می‌کند و صندوق‌های مستمری خصوصی را ایجاد می‌کند. در میانه سقوط مالی سال ۲۰۰۸، بسیاری از بازنشستگان در اروپا به همین شیوه، مستمری‌های خود را از دست دادند.

همان‌طور که ژان پل دلویه اذعان کرد ماکرون صرفاً نمی‌خواهد کارگران را مجبور به تامین مالی مستمری‌ها به شکل خصوصی کند بلکه: «در رژیم واحد آینده، چنین چیزی برای افراد با درآمد بالا مطرح خواهد شد...سناریوهای

1. the National Council of the Resistance

متعددی روی میز است. آیا ما به مستمری‌های خصوصی اجباری نیاز داریم؟
یا حساب‌های انفرادی از طریق جمع‌آوری سرمایه؟»

این اصلاحات همچنین «بازپرداخت مستمری‌های بازنشستگی» به همسر یا وابستگان کارگر فوت‌شده را کاهش می‌دهد. در سال ۲۰۱۶، حدود ۴,۴ میلیون نفر به چنین مستمری‌هایی وابسته بودند که بیش از یک چهارم کل بازنشستگان فرانسه را که بالغ بر ۱۷,۲ میلیون نفر است، شامل می‌شود.

تأثیر کلیدی دیگری این اصلاحات آن است که بازنشستگان را مجبور می‌کند که به طور اتوماتیک، بار تأثیرات بحران مالی آینده را از طریق تنوع پرداخت‌های مستمری براساس میزان بودجه در دسترس، تحمل کنند؛ بدون آن که این اصلاحات، دولت یا اتحادیه‌های کارگری را به مذاکره درباره کاهش بیشتر این مستمری‌ها ملزم کند.

همچنین برای تصویب این اصلاحات، دولت ماکرون نیاز دارد که «رژیم خاص» مستمری‌ها را به خصوص در بخش خدمات عمومی که پس از جنگ جهانی دوم ایجاد شدند، از میان بردارد. چنین چیزی زندگی حدود ۵ میلیون کارگر را تحت تأثیر قرار خواهد داد.